



**critique of the Persian translation of Zahran Alqasmi's novel
Tughreebat al-Qaafir based on Carmen Garcés theory**

Zeinab Moslempour Khazineh*¹, Rasoul Balavi², Seyyed Ahmad Mosawi Panah³

¹ M.A. Student in Arabic Translation, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

² Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

30/04/2025

Accepted:

29/07/2025

This study evaluates the Persian translation of Zahran Alqasmi's novel *Tughreebat al-Qaafir*, translated by Masoumeh Tamimi, through Carmen Garcés's model of translation criticism. Garcés's framework assesses translations based on the two criteria of acceptability and adequacy, examining both positive and negative features across four linguistic levels. Due to the broad scope of the model, this research focuses on the semantic-lexical and syntactic-morphological levels. At the semantic-lexical level, the main strategies observed include cultural or functional equivalence, syntactic expansion and reduction, ambiguity, and shifts between specificity and generality. At the syntactic-morphological level, the translator frequently employs literal translation, borrowing, transposition, shifts in perspective, explanatory or semantic expansion, reduction, omission, and changes in sentence type. The findings reveal that 64% of the translator's performance was positive, 20% neutral, and 16% negative, particularly in rendering cultural and stylistic nuances. By limiting the analysis to these two levels, the study provides a focused and systematic assessment of translation quality, illustrating how Garcés's model effectively identifies the strengths and weaknesses of the translator's approach in conveying meaning, structure, and style.

Keywords: *Translation critique, Carmen Garcés, Zahran Alqasmi, Tughreebat al-Qaafir, Tamimi.*

Cite this article: Moslempour Khazineh, Z. & Balavi, R. & Mosawi Panah, S.A. (2025). *critique of the Persian translation of Zahran Alqasmi's novel Tughreebat al-Qaafir based on Carmen Garcés theory*, year2, issue2, Pp 69-90.

© The Author(s)

Publisher: University of Zabol **Doi:** 10.22034/jisall.2026.551269.1096



***Corresponding Author:** Zeinab Moslempoor Khazineh

Address: M.A. student in Arabic Translation, Faculty Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

E-mail: zeinabmoslempoor@gmail.com



نقد ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی بر اساس نظریه گارسس

زینب مسلم‌پور خزینه^۱، رسول بلاوی^۲، سید احمد موسوی‌پناه^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۲ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۱۱

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۰۸

الگوی گارسس یکی از نظریه‌های کلیدی در زبان‌شناسی است که برای ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها طراحی شده و ترجمه‌ها را بر پایه‌ی دو معیار «مقبولیت» و «کفایت» و با توجه به ویژگی‌های مثبت و منفی در چهار سطح بررسی می‌کند. سطوح معنایی-لغوی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی از جمله این سطوح‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی کارمن گارسس به ارزیابی ترجمه‌ی فارسی رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی، ترجمه‌ی معصومه تمیمی، می‌پردازد. این پژوهش، دو سطح معنایی-لغوی و نحوی-واژه‌ساختی را در تحلیل رمان مورد بررسی قرار می‌دهد. به دلیل محدودیت‌های داده‌ای و با توجه به نوع متن و اهداف پژوهش، تمرکز بر این دو سطح امکان‌پذیر و علمی‌تر بود؛ این رویکرد متناسب با ساختار مقاله و محدودیت‌های حجم اتخاذ شده است. بر اساس الگوی کارمن گارسس، تحلیل نشان داد که در حدود ۶۴٪ موارد عملکرد مترجم مثبت و منطبق با معیارهای کفایت و مقبولیت بوده است، حدود ۲۰٪ راهبردها خنثی گزارش شد و حدود ۱۶٪ موارد نشان‌دهنده‌ی ضعف‌هایی در انتقال عناصر فرهنگی و حفظ سبک نویسنده بودند. در مجموع، از دیدگاه نظریه‌ی گارسس ترجمه موفق ارزیابی می‌شود و توانسته پیام و فضای کلی اثر را به‌درستی به زبان مقصد منتقل کند؛ بنابراین عملکرد معصومه تمیمی در سطوح مورد بررسی از کفایت و مقبولیت مطلوبی برخوردار است.

کلمات کلیدی: نقد ترجمه، کارمن گارسس، زهران القاسمی، تغریبه القافر، تمیمی.

استناد: مسلم‌پور خزینه، ز. بلاوی، ر. موسوی‌پناه، س.ا. (۱۴۰۴) نقد ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی بر اساس نظریه گارسس، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶۹-۹۰.

Doi: 10.22034/jisall.2026.551269.1096



حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

ادبیات، به معنای هنر سخن گفتن یا بیان هنرمندانه است. به طور خاص، تفاوت کلام ادبی با کلام عادی در این است که نویسنده در بستر ادبیات پرده از احساسات درونی و اندیشه‌های پنهان خود برمی‌دارد و خواننده را با تجربیات خیال‌انگیز و هیجانات روحی خود آشنا می‌نماید. او به شیوه‌ای رمزآلود، با بهره‌گیری از قوه تخیل و قدرت عاطفه، به شناخت پیچیدگی‌های روان انسان می‌پردازد و احساسات خود را در اشکالی متنوع جاودانه می‌سازد. در این راستا، فهم کلام نویسنده در متن ادبی و انتقال آن به زبان دیگر برای خوانندگانی که با زبان مبدأ آشنایی ندارند، کاری بسیار دشوار و پیچیده به نظر می‌رسد. در میان انواع ترجمه، ترجمه ادبی به عنوان سخت‌ترین و دقیق‌ترین نوع آن شناخته می‌شود. بررسی و مطالعه ترجمه‌های دیگران یک عنصر اساسی در یادگیری، آموزش و پرورش استعدادها، تجربه و مهارت است (جیوری و دیگران، ۱۹۷۷: ۴۳۱) معمولاً در فرآیند ترجمه مسائلی نظیر، افزایش یا کاهش معنا، حفظ مضمون و تغییرات موجود مشاهده می‌شود. این مسائل می‌توانند ناشی از ویژگی‌های مثبت ترجمه یا ضعف‌ها و معایب آن باشند.

برای ارزیابی کاربردی یا غیرکاربردی بودن این موارد لازم است متن ترجمه از منظر مدل‌های مختلف بررسی شود. غالباً بدون نقد و بررسی دقیق ترجمه‌ها پیشرفت در این حوزه در سایه دانش زبان‌شناسی ممکن نخواهد بود. بنابراین، ضرورت دارد که کار ترجمه به شیوه‌ای قانونمند و روشمند انجام گیرد تا کیفیت آن بهبود یابد. یکی از برجسته‌ترین معیارها و روش‌های مختلفی که از سوی نظریه پردازان و متخصصان حوزه مطالعات ترجمه ارائه شده است الگوی کارمن والرو گارسسس (۱۹۹۴) است. گارسسس برای مقایسه شباهت‌های میان دو متن مبدأ و مقصد، چهار سطح تحلیلی را برای ارزیابی ترجمه پیشنهاد می‌دهد که به گفته خودش گاه باهم تداخل پیدا می‌کنند. پژوهش پیش رو با کمک گرفتن از روش توصیفی-تحلیلی، هم‌سنجی بخشی از متن اصلی رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی با متن ترجمه آن «پیشگوی شگفت انگیز» از معصومه تمیمی را بر اساس دیدگاه و شاخص الگوی گارسسس به عهده داشته و متن مبدأ و مقصد را با کاربرد دو سطح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی از الگوی چهار سطحی گارسسس بررسی و ارزیابی می‌کند تا میزان هم‌خوانی متن ترجمه با متن اصلی را بسنجد. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:

- کدام ویژگی‌های سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی در ترجمه‌های معصومه تمیمی در کتاب «پیشگوی شگفت انگیز»، به وضوح قابل مشاهده است؟
- با تکیه بر مؤلفه‌های تحلیلی نظریه‌ی کارمن گارسسس، ترجمه‌ی معصومه تمیمی از رمان «تغریبه القافر» از منظر کفایت و مقبولیت چگونه ارزیابی می‌شود؟

در این پژوهش تلاش شده مهم‌ترین پژوهش‌هایی که درباره‌ی نقد ترجمه‌ی متون عربی یا پژوهش‌هایی که بر اساس نظریه گارسس صورت گرفته است، پرداخته شده است.

فرهادی (۱۳۹۲) در پایان نامه‌اش با عنوان «نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحدات» میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها بر اساس شمار ویژگی‌های مثبت و منفی پرداخته است.

انوری (۱۳۹۶) در پایان نامه‌ی «نقد ترجمه‌ی آیات متشابه لفظی در قصص قرآن کریم بر اساس رویکرد کارمن گارسس» به این مطلب ادعان داشته که ترجمه‌ی این آیات از سطح کفایت و مقبولیت برخوردار است.

عموری و سواری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ترجمه‌ی فارسی رمان فی قلبی انثی عبریه بر پایه‌ی الگوی کارمن گارسس» این ترجمه را به تحلیل می‌گذارد و به بیان ویژگی‌های مثبت و منفی و سطح مقبولیت و کفایت این ترجمه می‌پردازد.

عیسی متقی زاده و سید علاء نقی زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ترجمه‌ی متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج برای نمونه)» الگوی ترجمه‌ی گارسس را در ترجمه متون عربی مورد بحث قرار دادند و نتایج خود را به متون عربی تعمیم دادند.

ملکی و گرجی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقد ترجمه‌ی فارسی منتخب آثار جبران در کتاب (حمام روح) بر پایه‌ی مدل نظری گارسس» پژوهش بیانگر این است که مترجم در زمینه‌ی معنایی- لغوی و نحوی- واژه ساختی موفق‌تر از سطوح سبکی و گفتمانی عمل کرده است.

رشیدی و فرزانه (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و مقایسه‌ی ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی (شاهزاده و گدا) اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)» به بررسی این ترجمه‌ها و مطابقت آن‌ها با چهار سطح مدنظر گارسس پرداخته‌اند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش بر پایه‌ی نظریه‌ی کارمن گارسس انجام شده است؛ الگویی که ترجمه‌ی ادبی را در چهار سطح واژگانی، نحوی، سبکی و معناشناختی ارزیابی می‌کند. تحلیل حاضر با رویکرد کیفی - تحلیلی و تمرکز بر دو سطح واژگانی و نحوی صورت گرفته است. در این پژوهش این مفاهیم بر اساس بازخوانی آثار گارسس و مطالعات تکمیلی به صورت عملیاتی تبیین شده‌اند:

ویژگی‌های مثبت شامل حفظ معنا، دقت در انتخاب معادل‌ها، انسجام نحوی و بازآفرینی سبک نویسنده است. ویژگی‌های منفی شامل حذف یا تغییر معنای ضمنی، گسست در پیوند نحوی، و ترجمه‌ی

لفظ‌گرایانه‌ی مخلّ سبک است. در ارزیابی قبض نحوی، ابهام، ترجمه تحت اللفظی هر نمونه صرفاً بر اساس تأثیر آن بر انتقال معنا و سبک متن سنجیده می‌شود؛ بدین معنا که اگر فشردگی نحوی به ایجاز و روانی متن بینجامد، ویژگی مثبت محسوب می‌شود، اما در صورت کاستن از دلالت یا لطمه به سبک، در دسته‌ی ویژگی‌های منفی قرار می‌گیرد. بر پایه‌ی این معیارها، نمونه‌های منتخب از متن اصلی و ترجمه‌ی آن به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند تا میزان موفقیت مترجم در بازآفرینی معنا و سبک نویسنده مشخص گردد.

۳. نویسنده و مترجم کتاب «تغریبه القافر»

زهران القاسمی، نویسنده و رمان‌نویس عمانی، در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ در عمان به دنیا آمد. او یکی از چهره‌های برجسته ادبیات معاصر عرب است و به خاطر آثارش که به بررسی موضوعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دنیای عرب می‌پردازند، شناخته شده است. زهران القاسمی چندین رمان و داستان کوتاه نوشته است که برخی از آن‌ها به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. رمان‌های او معمولاً به بررسی چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در عمان و دنیای عرب می‌پردازند و به مسائلی مانند هویت، مهاجرت، و تغییرات اجتماعی توجه دارند. به عنوان یک نویسنده برجسته عمانی، با آثار خود نه تنها بر ادبیات عرب تأثیر گذاشته است، بلکه به شناخت جهانی از فرهنگ و جامعه عمان نیز کمک کرده است. او همچنان به نوشتن و تألیف ادامه می‌دهد و به عنوان یک صدای مهم در عرصه ادبیات عرب شناخته می‌شود. رمان "تغریبه القافر" نوشته زهران قاسمی به موضوعات هویت و تعلق می‌پردازد و داستان گروهی از شخصیت‌ها را روایت می‌کند که در محیطی سخت و پرچالش زندگی می‌کنند. مترجم رمان نیز، خانم معصومه تمیمی متولد سال ۱۳۵۹ می باشد. که در کارنامه خود سابقه مترجمی چندین کتاب رمان از زبان عربی به زبان فارسی و زبان فارسی به عربی را دارد.

۴. نظریه گارسس

خانم کارمن والرو گارسس استاد ارتباطات بین فرهنگی، نظریه پرداز و مترجم متولد سال ۱۹۵۸ در اسپانیا و عضو هیأت علمی و استاد ممتاز دانشگاه آکالا است و از جمله مسئولیت‌های او می‌توان به عضویت در انجمن زبان شناسی کاربردی اسپانیا و مدیریت برنامه آموزش ترجمه اشاره کرد. (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۱۲۵). الگوی پیشنهادی وی شامل چهار سطح است و در سال ۱۹۹۴ پیشنهاد شده است. گارسس خود به این نکته اذعان دارد که سطوح پیشنهادی وی گاهی با هم تداخل دارند (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۰). چهار سطح پیشنهادی گارسس شامل: سطوح معنایی-لغوی، نحوی-واژه ساختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی باشند. کفایت و مقبولیت هر ترجمه در الگوی گارسس بر اساس میزان ویژگی‌های مثبت و منفی سنجیده می‌شود؛ هرچقدر میزان ویژگی‌های مثبت یک ترجمه

بیشتر باشد، ترجمه کیفیت بالاتری دارد و هر چقدر ویژگی‌های منفی بیشتری داشته باشد از مقبولیت کمتری برخوردار است. الگوی گارسس الگویی ترکیبی از دیدگاه‌ها و نظریات دیگر صاحب نظران در زمینه مطالعات ترجمه است؛ صاحب نظرانی مانند نایدا، نیومارک، دلیسل، وازکه ایورا، مونن، نوبرت، سنتویو یاتوری است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۹).

۵. کاربست الگوی گارسس

در این پژوهش تلاش شده است، رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی با ترجمه‌ی فارسی آن نوشته‌ی معصومه تمیمی مقایسه و بر اساس الگوی کارمن والرو گارسس مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف، ابتدا سطح معنایی و لغوی دو متن بررسی شده و سپس سطح نحوی و واژگانی آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

۵-۱. سطح اول: معنایی-لغوی

بر اساس الگوی گارسس، این سطح شامل زیر مجموعه‌های معادل فرهنگی یا کارکردی، بسط نحوی، قبض نحوی، خاص در برابر عام و ابهام می‌باشد.

۵-۱-۱. معادل فرهنگی یا کارکردی

برخی واژگان در زبان مبدأ دارای بار معنایی فرهنگی یا کارکردی خاصی هستند که باید با معادل مناسب در زبان مقصد جایگزین شوند. این امر مستلزم آشنایی کامل مترجم با فرهنگ زبان مقصد است. در روش معادل فرهنگی یا کارکردی، مترجم از دانش فرازبانی خود بهره برده و واژه‌های فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ را با معادل‌های مشابه در زبان مقصد جایگزین می‌کند. برای این قسمت می‌توان به نمونه‌هایی که در ادامه ذکر شده، اشاره کرد.

متن اصلی: «صاحب قلب شجاع لایخاف». (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۱).

ترجمه فارسی: «مردی شجاع و جسور بود که هیچ ترسی به دل ...» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۱).

در این عبارت، مترجم واژه‌های «صاحب قلب شجاع» با معنی تحت اللفظی صاحب قلبی شجاع بود را «مردی شجاع و جسور بود» ترجمه کرده که در زبان فارسی مأنوس تر است. در زبان عربی، قلب به عنوان نماد شجاعت و جسارت در ساختارهای بیانی و بلاغی نقش پر رنگی دارد، در حالی که در زبان فارسی استفاده‌ی مستقیم از ترکیب‌هایی مانند «صاحب قلب شجاع» غیر بومی است و از نظر سبک شناسی نیز نامأنوس تلقی می‌شود در نتیجه، صفت شجاع از قلب سلب شده و به مرد داده شده است. در واقع مترجم دست به معادل سازی فرهنگی زده است.

متن اصلی: «لکن هذه حياة، تدفن إنسان حی فی التراب و تحکم علیه بالموت، وتقول هذا شرع؟» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۵).

ترجمه فارسی: «صحبت از جان یک انسان است. چطور یک آدم زنده را در خاک دفن می‌کنی و حکم مرگ او را می‌دهی سپس می‌گویی این شرع است؟» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۴).

معادل تحت اللفظی عبارت فوق می‌شود: «اما این زندگی است» که در زبان فارسی از نظر معنایی و ساختاری گنگ است و تأثیرگذاری عاطفی لازم را ندارد. مترجم در این جا با بهره‌گیری از دانش زبان فرهنگی خود، به جای ترجمه کلمه به کلمه، معادلی را انتخاب کرده است که نقش ارتباطی جمله در زبان مقصد را بهتر ایفا می‌کند: «صحبت از جان یک انسان است» این معادل، هم بعد احساسی را تقویت می‌کند و هم پیام اخلاقی و اعتراضی جمله را روشن‌تر بازتاب می‌دهد.

متن اصلی: «عبدالله بن جمیل أسهب فی الحدیث ذاک الیوم.» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۷۱).

ترجمه فارسی: «امروز عبدالله بن جمیل پرچانگی کرد.» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۸۷).

ترجمه تحت اللفظی کلمه‌ی «أسهب» می‌شود: گسترده سخن گفتن. در زبان فارسی لفظ گسترده سخن گفتن نامأنوس است، مترجم واژه‌ی «پرچانگی کردن» را جایگزین آن کرده است. این انتخاب ضمن حفظ معنای ضمنی، ترجمه‌ای روان و طبیعی در زبان مقصد ارائه داده است.

در مثال‌های بالا جایگزین کردن معادل بومی مناسب برای عبارت یا کلمه‌ی عربی باعث پذیرش هر چه بیشتر متن ترجمه شده برای خوانندگان فارسی زبان می‌شود.

۲-۱-۵. بسط نحوی

گسترش نحوی به معنای افزودن یک یا چند واژه به متن ترجمه به دلیل ضرورت و تنگناهای دستور زبانی است. در این شیوه، مفهومی که در متن مبدأ به شکل تلویحی به آن اشاره شده باید در زبان مقصد به آن تصریح شود که لازمه آن افزودن یک یا چند واژه به متن ترجمه است. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۲).

متن اصلی: «فوضته آسیا بنت محمد فی حجر کاذیه و ذهبت.» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۲۹).

ترجمه فارسی: «آسیه بنت محمد او در دامان کاذیه گذاشت و بدون هیچ حرفی آنجا را ترک کرد.» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۳۴).

در این نمونه، مترجم برای روشن‌تر کردن موقعیت و ایجاد تصویر دقیق‌تری در ذهن خواننده، واژه‌ی «ذهبت» را برابر جمله‌ی «بدون هیچ حرفی آنجا را ترک کرد.» ترجمه کرده و واژه‌ی بدون هیچ حرفی را به متن اصلی اضافه کرده است. این ترجمه به درستی و به صورت طبیعی انجام شده و معنای شفاف‌تر و بومی‌تری به خواننده‌ی فارسی زبان منتقل کرده است.

متن اصلی: «وضعتہ بین یدیه وهی تبکی وتقول...» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۸۴).

ترجمه فارسی: «کودک را در دستان سویدان گذاشت.» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۰۳).

در این بخش از رمان، ضمیر متصل “ه” در واژه های “وضعت” و “یدی” را به جای حفظ به صورت ضمیر، به صورت اسم ظاهر و خاص ترجمه شده‌اند تا ابهام مرجع ضمیر برای خواننده‌ی فارسی زبان از بین برود. با افزودن عناصر تصریحی، به وضوح بیشتر و درک آسان‌تر معنا کمک می‌کند و از نقاط قوت ترجمه است.

۳-۱-۵. قبض نحوی

قبض نحوی یا کاهش، عکس بسط نحوی است. در این روش یک واژه جایگزین چند واژه در زبان مقصد می‌شود. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۲). به دیگر سخن، قبض نحوی به کاربردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه در زبان مبدأ است. (امرای، ۱۳۹۷: ۲۰). مترجم به دلایل مختلفی به آوردن حداقل عبارت اکتفاء کرده است.

متن اصلی: “لا أحد يقدر على الهبوط غير شخص يسمونه الوعری.” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۱). ترجمه فارسی: “هیچکس به جز الوعری نمی‌توانست به ته چاه برود.” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۰). مترجم در این جمله فعل “یسمونه” به معنی “او را می‌نامیدند”، را ترجمه نکرده است این حذف، نمونه‌ای از قبض نحوی است که بخشی از ساختار توضیحی جمله در زبان مبدأ را کنار گذاشته است.

متن اصلی: “يقضى ليالى فى الجبال وحيداً لا يصاحبه أحد” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۲). ترجمه فارسی: “شب‌ها به تنهایی در کوه می‌ماند” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۱). در این بخش از رمان مترجم عبارت “لا يصاحبه أحد” به معنی “کسی همراهش نبود” را ترجمه نکرده و به آوردن برابر نهاد “در کوه می‌ماند” اکتفا کرده است. این حذف، نمونه‌ای از قبض نحوی است که با فشرده سازی جمله، بخشی از تأکید نویسنده بر تنهایی کامل شخصیت را کم‌رنگ کرده است. از دیدگاه الگوی گارسس، این نوع حذف در مواردی می‌تواند کاهش کفایت معنایی تلقی شود با این حال، این قاعده مطلق نیست و بسته به کارکرد آن در متن و میزان تأثیرش بر انتقال معنا و سبک نویسنده است.

متن اصلی: “فهى وحيدة لا أبناء لها ولا عائلة سواه” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۶۳). ترجمه فارسی: “او در آن روستا تنها بود و غیر از سالم کسی را نداشت.” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۲۰۲). در عبارت بالا مترجم “لا أبناء لها ولا عائلة” به معنی “نه فرزندان داشت و نه خانواده ای” را حذف نموده است و به آوردن برابر نهاد “غیر از سالم کسی را نداشت” بسنده کرده است. این حذف نمونه‌ای از قبض نحوی است.

۵.۱.۴. خاص در برابر عام یا برعکس

در روش خاص در برابر عام واژه‌ای خاص به عام یا برعکس ترجمه می‌شود. گاهی مترجم واژه یا اقلام بزرگ‌تر از واژه را که در زبان اصلی به صورت عام به کار برده شده را به شکل خاص ترجمه می‌کند و یا برعکس؛ به این معنا که واژه‌ی خاصی را با مقابل عام ترجمه می‌کند. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۴). متن اصلی: "فأخذ كَفِيها بين كَفِيه و أخبرها بهدوء أنه سيعود" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۷۵). ترجمه فارسی: "سالم دستانش را گرفت و آرام به او گفت که بازخواهدگشت." (تمیمی، ۲۱۸: ۱۴۰۲).

در عبارت فوق واژه ی "کفیها" در زبان عربی به صورت خاص به کف دستان اشاره دارد، در ترجمه به صورت "دستانش" آورده شده که مفهومی عام‌تر دارد و تمام دست را دربر می‌گیرد. این تغییر نمونه‌ای از ترجمه‌ی خاص به عام است.

متن اصلی: "قال لها أحد إخوانها: تروحي بلادك معنا." (القاسمی، ۲۰۲۲: ۲۱۰). ترجمه فارسی: "یکی از برادران نصرا به او گفت: با ما به خانه برمی‌گردد." (تمیمی، ۱۴۰۲: ۲۶۲). واژه‌ی "بلادک" در زبان اصلی به معنای "سرزمینت" است که مفهومی عام دارد می‌تواند به کل منطقه، کشور یا زادگاه اشاره داشته باشد. اما مترجم آن را به "خانه" ترجمه کرده که واژه‌ای خاص‌تر است و صرفاً به محل سکونت اشاره دارد. در چارچوب نظریه‌ی گارسس، این نوع تغییر در صورتی که بافت جمله را برای خواننده‌ی زبان مقصد روشن کند و با فضای فرهنگی آن هماهنگ باشد، می‌تواند مثبت ارزیابی شود.

۵-۱-۵. ابهام

گاهی در ترجمه‌ی متن اصلی ابهام وجود دارد که ناشی از ویژگی‌های خاص ساختار زبان مقصد و یا مبدأ است. از نظر گارسس ممکن است ابهام در ترجمه عمدی یا سهوی باشد. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۷). در صورت عمدی بودن باید آن را انتقال داد، اما اگر سهوی باشد باید توسط مترجم اصلاح و برطرف شود (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷).

متن اصلی: "بیهن أكثر من واحدة اسمها مریم بنت حمد" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۵). ترجمه فارسی: "در میان آن‌ها مریم بنت حمد بیش از یک نفر بود." (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۵). در عبارت عربی به وضوح به این موضوع اشاره دارد که چند نفر با نام مریم بنت حمد در میان گروهی از زنان وجود داشته اند. اما در ترجمه‌ی فارسی، واژه‌ی کلیدی "نام" حذف شده و جمله به صورت "در میان آن‌ها مریم بنت حمد بیش از یک نفر بود" آمده است، که ساختار آن مبهم و چند پهلو است. در این الگو ابهام یکی از ویژگی‌های منفی متون ترجمه شده به شمار می‌آید.

۵-۲. سطح نحوی - واژه ساختی

زیر مجموعه‌های متعدد این سطح شامل: ترجمه تحت اللفظی، اقتباس، تغییر ساختار جمله (تغییر نحوی)، تغییر دیدگاه، توضیح یا بسط معنی، تلویح، کاهش و حذف و تغییر نوع جمله می‌شود که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۲-۵. ترجمه تحت اللفظی

در این روش که ترجمه‌ی «یک به یک» نیز نام دارد، مترجم به متن مبدأ مقید می‌ماند و ساختار نحوی متن مبدأ را به نزدیک‌ترین معادل آن در زبان مقصد برمی‌گرداند. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۸).

متن اصلی: «صرخت خالتها عایشه بنت مبروک فجأه: «فی بطنها حیاہ... فی بطنها حیاہ».» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۳).

ترجمه فارسی: «ناگهان عمه اش، عایشه بنت مبروک، فریاد زد: «در شکم او زندگی است. در شکم او زندگی است.»» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۳).

مترجم عبارت: «فی بطنها حیاہ» را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده است. در برخی فرهنگ‌ها، استفاده از عبارت «در شکمش» به صورت مستقیم ممکن است کمی صریح و نامناسب تلقی شود و عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی، ساختاری و زبانی در متن ترجمه شده باعث شده که ترجمه به اندازه‌ی متن اصلی تأثیرگذار نباشد.

متن اصلی: «ولا علاج لأمّ الصبیان إلا بالقراءه وتعلیق الحروز،» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۸۴).
ترجمه فارسی: «وهیچ درمانی برای ام الصبیان جز قرآن خواندن و آویزان کردن حرز وجود ندارد.» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۰۲).

در متن ترجمه شده‌ی عبارت فوق واژه‌ی (ام الصبیان) به همان شکلی عربی خود به صورت ترجمه تحت اللفظی آورده شده است. دقت نکردن به این مورد باعث ابهام در ترجمه‌ی فارسی شده است. (ام الصبیان) در فرهنگ عربی اصطلاحی است که به موجودات و ارواحی خبیث اشاره دارد که می‌توانند به کودکان آسیب برسانند.

متن اصلی: «زین راحو عنک جماعتک، مستوی کما ثور الهیاسه» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۲۷).
ترجمه فارسی: «چه خوب، بالاخره جماعت رها ت کردن، شبیه گاو نر شخم زن شده بودی.» (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۵۴).

در جمله‌ی «زین راحو عنک جماعتک»، واژه‌ی «جماعتک» در گویش عُمانی معنایی فراتر از «گروه» دارد و به‌طور مشخص به «جن‌ها» اشاره می‌کند. فضای اسطوره‌ای رمان، بافت گفتم‌وگوها و باورهای شخصیت‌ها این دلالت را تأیید می‌کند و جایی برای برداشت دیگر نمی‌گذارد. مترجم با برگرداندن آن به «جماعت» این نشانه‌ی معنایی را حذف کرده و دقت لحن را تضعیف کرده است. بر همین اساس، معادل وفادارانه‌تر در فارسی «جن‌ها» یا «یارانت (جن‌ها)» است که مقصود نویسنده را روشن‌تر منتقل می‌کند.

۲-۲-۵. اقتباس

اقتباس به کمک گرفتن از معانی نزدیک و استعمال برابر نهادهای جا افتاده اطلاق می‌شود. در واقع اقتباس همان معادل فرهنگی است که از طریق موقعیت مشابه به متن مقصد منتقل می‌شود. (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۱).

متن اصلی: "شبّ عود الطفل سالم بن عبدالله فی رعایه کاذیه بنت غانم و حنان آسیا بنت محمد." (القاسمی، ۲۰۲۲: ۴۵).

ترجمه فارسی: "سالم بن عبدالله کودکی خود را در سایه کاذیه بنت غانم و مهر آسیه بنت محمد گذراند." (تمیمی، ۲۰۲۲: ۵۶).

در عبارت فوق، (شبّ عود الطفل) یک اصطلاح عربی است به معنی "بزرگ شدن کودک" و معنی تحت اللفظی آن می‌شود "شاخه‌ی کودک شکفته شد". مترجم به دلیل آشنایی با فرهنگ زبان مبدأ و مقصد، معادل و عبارت اقتباسی مناسب با زبان فارسی یعنی "بزرگ شد" را برای آن برگزیده است. متن اصلی: "القافر یدرک أنه تحت عیون الناس." (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۶۵).

ترجمه فارسی: "پیشگو می‌دانست که مردم او را زیر نظر دارند." (تمیمی، ۲۰۲۲: ۱۴۰۴). در این بخش از رمان عبارت "تحت عیون الناس" در معنای تحت اللفظی می‌شود "او زیر چشم مردم است" این اصطلاح در زبان فارسی نامأنوس است، در نتیجه مترجم برابر نهاد "زیر نظر داشتن" را که در زبان فارسی بسیار به کار برده می‌شود را جایگزین کرده است.

۳-۲-۵. تغییر نحوی (ساختاری)

در این شیوه، مترجم به دلایلی مانند نبود ساختار مشابه، غیر طبیعی شدن ترجمه و یا خلاء واژگانی ناگزیر می‌شود از رهگذر تغییر نحو (دستور گردانی) دست به تغییر اجزای کلام بزند تا بتواند برابر نهادی نزدیک را جایگزین کند. (گارسس، ۱۹۹۴: ۹۳).

متن اصلی: "لذا لم یکن فی حاحه إلی أحد یطلب منه الهبوط إلی البئر و انتشال الغریقه" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۱).

ترجمه فارسی: "بنابراین نیازی نبود که از او بخواهند وارد چاه شود و جسد غرق شده را بیرون بیاورد" (تمیمی، ۲۰۲۲: ۱۰).

در این بخش از رمان مترجم به جای حفظ ساختار اصلی عربی دو مصدر "الهبوط" به معنی فرود آمدن و "انتشال" به معنی بیرون آوردن، به صورت فعل مضارع التزامی ترجمه کرده است. به جای ساختار عربی که گرایش بیشتری به مصدر و جمله‌های وصفی دارد، مترجم ساختار رایج‌تر فارسی با افعال التزامی را به کار برده است.

متن اصلی: “سارعوا بغسلها و تکفینها لتُدفن فی مقبره القریه” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۳).
ترجمه فارسی: “اهالی روستا به سرعت مشغول غسل دادن و کفن کردن شدند تا او را در قبرستان روستا دفن کنند” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۳).

در این عبارت نیز تغییر نحوی در ترجمه‌ی فارسی به چشم می‌خورد. مترجم فعل مجهول “لتدفن” را به صورت فعل معلوم مضارع “دفن کنند” ترجمه کرده است. مترجم با حذف مجهول و افزودن فاعل (اهالی روستا)، ساختار را مطابق با سبک روایی فارسی بازسازی کرده است.

متن اصلی: “یقال إنه ابتاعه من مدینه بعیده تسمی نزوی” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۲۰۶).
ترجمه فارسی: “می‌گفتند آن را از شخصی در شهر دوری به نام نزوا خریده است” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۲۵۷).

در عبارت بالا طبق صلاحدید مترجم ساختار فعل مجهول مضارع “یقال” به فعل ماضی استمراری “می‌گفتند” ترجمه شده است. این تغییر نحوی، نمونه‌ای از وفاداری پویا است. معنای اصلی و کارکرد بلاغی جمله (ابهام در منبع خبر) حفظ شده است. مترجم با این جابه‌جایی توانسته است متن را طبیعی‌تر و روان‌تر برای خواننده‌ی فارسی ارائه کند.

۴-۲-۵. تغییر دیدگاه

در این روش، مفهومی در زبان مبدأ به گونه‌ای دیگر در زبان مقصد بیان می‌شود. (گارسس ۱۹۹۴: ۸۸). از جمله موارد تغییر دیدگاه عبارتند از: بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان با ترتیبی دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به عبارت مثبت و برعکس، تبدیل جزء به کل و برعکس، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم و برعکس، مسبب به سبب، لازم به ملزوم و... (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

متن اصلی: “و یزداد بیاض فضّه مع الأيام” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۲۰۶).
ترجمه فارسی: “نقره اش با گذشت زمان سیاه نمی‌شد” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۲۵۷).
در جمله‌ی عربی «ویزداد بیاض فضّه» فعل مثبت «یزداد» لحن ستایش‌آمیز و تصویری دارد و بر افزایش درخشندگی و زیبایی نقره تأکید می‌کند. اما مترجم با برگردان آن به «سیاه نمی‌شد» ساختار را منفی کرده و قطب جمله از مثبت به منفی تغییر یافته است. این تغییر باعث از بین رفتن مؤلفه‌ی سبکی «تصاعد و درخشندگی» در متن اصلی شده و لحن شاعرانه و ستایش‌آمیز جمله را به لحن خشنی و صرفاً توصیفی تبدیل کرده است؛ از این رو، یک ضعف سبکی محسوب می‌شود.

متن اصلی: “و ظلت ابتسامتها تزوره فی منامه” (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۳۵).
ترجمه فارسی: “از آن روز به بعد لبخندش را در خواب می‌دید” (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۶۵).

ملاحظه می‌شود که در عبارت بالا، مترجم به ترتیبی غیر از ترتیب زبان اصلی، به ترجمه‌ی متن پرداخته است و منجر به تغییر دیدگاه شده است. از نظر معنایی پیام کلی همچنان حفظ شده است اما، از نظر سبکی ترجمه بخشی از زیبایی و قدرت تصویر سازی متن اصلی را کاسته است؛ زیرا در متن عربی، لبخند شخصیت مند شده و نقش فعال دارد، در حالی که در ترجمه، سالم فعال است و لبخند صرفاً مفعول.

۵-۲-۵. توضیح یا بسط معنی

بخشی از متن که باید در ترجمه تصریح شود به معنای "توضیح یا بسط معنا است". بسط معنوی به مانند قبض و بسط نحوی در تمامی زبان‌ها وجود دارد (امرابی، ۱۳۹۷: ۲۸).

متن اصلی: "لکنه یهز رأسه" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵).

ترجمه فارسی: "اما سالم سرش را به نشانه‌ی مخالفت تکان داد" (تمیمی، ۱۴۰۲: ۷۹).

در این بخش از رمان، مترجم برای توضیح واضح‌تر و بهتر ضمیر متصل (ه) در (لکنه) را به صورت اسم ظاهر (سالم) ترجمه کرده است. عبارت "یهز رأسه" در زبان عربی به معنای سر تکان دادن است و می‌تواند دلالت‌های متفاوتی همچون تأیید، تردید یا مخالفت داشته باشد. مترجم فارسی برای پرهیز از ابهام و انتقال دقیق‌تر بار معنایی، توضیحی را اضافه کرده است "به نشانه‌ی مخالفت". این نوع توضیح نمونه‌ای بارز از بسط معنایی به شمار می‌رود و مترجم نه تنها معنا را منتقل کرده بلکه نیت گوینده را نیز آشکار ساخته است.

متن اصلی: "بدأ الناس یذهبون إلی نجد نوح لیشاهدوا بأعينهم ما یحدث هناک." (القاسمی،

۱۵۸: ۲۰۲۲).

ترجمه فارسی: "مردم کم کم به سمت کوه نوح رفتند تا با چشم خود ببینند که آنجا چه خبر است." (تمیمی، ۱۴۰۲: ۱۹۵).

این مورد نمونه‌ای از بسط معنایی (التوسیع المعنوی) است، زیرا مترجم معنای درونی و تلویحی متن عربی را در ترجمه صریح کرده است. به تعبیر گارسس، این نوع بسط نه تحریف است و نه افزوده‌ی غیرمجاز، هدف آن رساندن دقیق‌تر مقصود نویسنده در زبان مقصد است. در نتیجه، افزودن قید زمان «کم کم» باعث توضیح و بسط معنایی جمله شده است، چون مترجم معنای تلویحی «شروع تدریجی حرکت» را به شکل صریح در ترجمه بازتاب داده است.

۵-۲-۶. تقلیل، تلویح و حذف

این روش دقیقاً برعکس روش "توضیح و بسط معنی" است. در این شیوه، مترجم بنا به دلایلی، عناصری را که در متن اصلی تصریح شده است در ترجمه به تلویح بیان کرده و یا آن را کاهش داده و یا به طور کامل حذف می‌کند. (گارسس، ۱۹۹۴: ۹۳).

متن اصلی: "رأى هناك جثه طافيه، إنساناً غريقاً، فمسح عينيه جيداً، ثم أعاد فتحهما، و أمعن النظر، فتيقن مما رآه، لكنه لم يستطع معرفه هويّه الغريق بسبب عمق البئر و عتمتها" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۹).
این عبارت به طور کلی توسط مترجم حذف شده است و به جز این، مورد دیگری یافت نشد.

۷-۲-۵. تغییر نوع جمله در ترجمه

در این شیوه، مترجم به صورت عمدی یا ناخودآگاه نوع جملات را از زبان مبدأ به زبان مقصد تغییر می دهد. این استراتژی از دید گارسس نه کاملاً ضعف است و نه صرفاً امتیاز؛ بلکه نوعی ترجیح سبکی آگاهانه است که میان دو اصل «وفاداری به لحن» و «روانی زبان مقصد» تعادل برقرار می کند. به عنوان مثال، ممکن است، جملات خبری را به شکل پرسشی یا انشایی ترجمه کند، یا جملات ساده را به جملات مرکب تبدیل کند و بالعکس.

متن اصلی: "لكن من هو حتى يقتنع الناس بكلامه؟" (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۱۵).

ترجمه فارسی: "اما او کسی نبود که مردم حرفش را قبول کنند" (تمیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰۲).

در این بخش رمان مترجم ترجیح داده است، جمله‌ی پرسشی متن اصلی "من هو حتى يقتنع الناس بكلامه" که نوعی لحن تردیدآمیز و حتی تحقیرآمیز را منتقل می کند و در واقع پرسش انکاری است را به صورت جمله‌ی خبری "اما او کسی نبود که مردم حرفش را قبول کنند." ترجمه کند. این تغییر سبب می شود که شدت بار عاطفی و لحن کنایه آمیز جمله‌ی اصلی تا حدی کاهش یابد، اما در عوض، متن برای خواننده‌ی فارسی زبان روان تر و بی ابهام تر جلوه می کند.

نتیجه

در این جستار بر اساس الگوی نقد ترجمه‌ی کارمن گارسس به بررسی رمان «تغریبه القافر» اثر نویسنده‌ی عمانی، زهران القاسمی با ترجمه‌ی فارسی آن با نام «پیشگوی شگفت انگیز» معصومه تمیمی پرداخته شده است. پس از نقد و بررسی ترجمه‌ی کتاب بر اساس دو سطح از نظریه‌ی چهار سطحی گارسس یعنی سطح معنایی-لغوی و سطح نحوی-واژه ساختی، نتایج زیر حاصل شد:

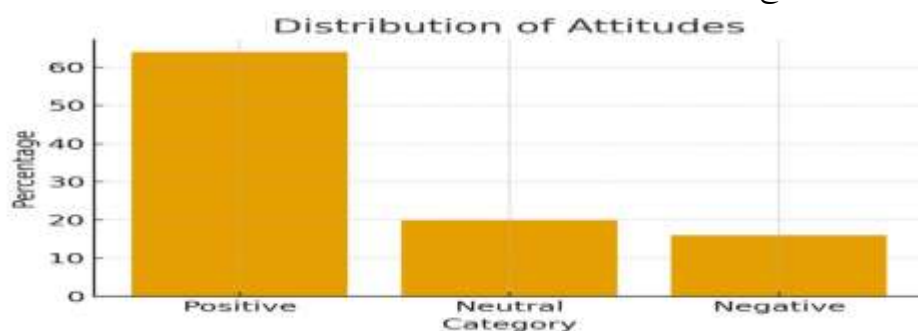
در پاسخ به پرسش اول پژوهش باید گفت در سطح معنایی-لغوی برجسته ترین مواردی که در رمان «تغریبه القافر» به کار برده شده است: معادل فرهنگی یا کارکردی، بسط نحوی، قبض نحوی، خاص در برابر عام یا برعکس و ابهام است. در سطح نحوی-واژه ساختی مترجم از موارد: ترجمه تحت اللفظی، اقتباس، تغییر نحوی یا تغییر در ساختار، تغییر دیدگاه، توضیح یا بسط معنی، تقلیل و حذف و تغییر نوع جمله بهره جسته است و توانسته مفاهیم را به درستی انتقال دهد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش باید گفت براساس نظریه‌ی گارسس و بررسی چندین واحد ترجمه‌ای از رمان تغریبه القافر و ترجمه فارسی آن نشان داد که مترجم در حدود ۶۴٪ از موارد عملکردی مثبت، در ۲۰٪ عملکردی خنثی و در ۱۶٪ موارد ضعف‌هایی در حفظ سبک و انتقال عناصر

فرهنگی داشته است. عملکرد مترجم با توجه به نمونه‌های بررسی شده در سطوح واژگانی، نحوی و معنایی عموماً مناسب بوده است. و ترجمه از نظر کفایت و مقبولیت، شرایط مطلوبی دارد؛ هرچند در سطح سبکی گاه گرایش به ترجمه لفظی مشاهده می‌شود. در نتیجه با توجه به کل نمونه های بررسی شده، عملکرد مترجم در این سطوح عموماً مناسب بوده است.

کاربست تکنیک های دوازده گانه	تعداد	درصد کل نمونه ها
معادل فرهنگی	۳	٪۱۲
بسط نحوی	۲	٪۸
قبض نحوی	۳	٪۱۲
خاص در برابر عام	۱	٪۴
ابهام	۱	٪۴
ترجمه تحت اللفظی	۳	٪۱۲
اقتباس	۲	٪۸
تغییر نحوی	۳	٪۱۲
تغییر دیدگاه	۲	٪۸
توضیح یا بسط معنایی	۲	٪۸
تقلیل، تلویح و حذف	۱	٪۴
تغییر نوع جمله	۱	٪۴

جدول مقابل توزیع فراوانی هر یک از تکنیک‌های موجود را در ترجمه بررسی شده نشان می‌دهد.



جدول ویژگی های مثبت، منفی و خنثی

منابع

الف. منابع عربی

القاسمی، زهران. (۲۰۲۲). *تغریبه القافر*. تونس: دار رشم للنشر والتوزيع.
الجاسم، عبدالرحمن. (۲۰۱۸). *نقد الترجمة: المفاهيم والمناهج*. بیروت: دار الفكر العربي.
الحسني، ندى. (۲۰۱۹). أثر النظرية النسقية في نقد الترجمة الأدبية. *مجلة جامعة بغداد للغات*، ۱۸(۲)، ۱۱۵-۱۳۸.
الشناوى، سامي. (۲۰۱۷). الترجمة الأدبية بين الأمانة والإبداع: مقارنة نقدية في ضوء نظرية غارسس. *مجلة اللسانيات و الترجمة*، ۳(۶)، ۷۰-۴۴.

ب. منابع فارسی

آذر نوش، آذرتاش. (۱۳۹۶). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. تهران: نشر نی.
تمیمی، معصومه (۱۴۰۲). *تغریبه القافر*. تهران: نشر عبارت.
حقانی، نادر. (۱۳۹۹). *نظریه ها و نظریه های ترجمه*. چاپ سوم. تهران: انتشارات آذین.
خان جان، علیرضا. (۱۴۰۰). *تحلیل انتقادی ترجمه*. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین. (۱۳۸۹). ارزیابی و مقایسه‌ی ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی (شاهزاده و گدا) اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴). *دو فصل نامه‌ی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)*، ۲(۳)، صص ۱۰۵-۵۷.
زرکوب، منصوره. (۱۳۹۸). *روش نوین فن ترجمه (عربی-فارسی-فارسی-عربی)*. اصفهان: انتشارات مانی.
سواری، فاطمه و عموری، نعیم. (۱۴۰۳). ارزیابی ترجمه فارسی رمان فی قلبی اثنی عبریه بر پایه الگوی کارمن گارسس. *پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۴ شماره ۳۰، صص ۲۹۸-۲۶۳.
شمس آبادی، حسین و افضل، فرشته. (۱۳۹۲). شیوه‌های برابر یابی واژگانی ساختاری و بافتاری در ترجمه داستان از عربی به فارسی (بر پایه‌ی نمونه‌هایی از داستان‌های نجیب محفوظ). *دو فصل نامه‌ی پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۳ شماره ۶، صص ۴۸-۲۹.
شیری، علی و هادوی خلیل آباد، زهرا. (۱۳۹۹). *نقد ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمدسعداوی بر اساس نظریه گارسس*. *پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۰ شماره ۲۳، صص ۳۰۴-۲۷۱.
فرهادی، پروین. (۱۳۹۲). *بررسی نقد و ترجمه‌ی متون معاصر (مطالعه‌ی موردی، نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده‌ی غسان کتفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحتیات)*. پایان نامه رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

کبیری، محمد، حشمتی، بهزاد و تاند، بایزید. (۱۴۰۱). مقایسه‌ی ساختار ترجمه‌ی عربی و فارسی رمان «پیامبر» جبران خلیل جبران (براساس الگوی کارمن گارسس). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۲ شماره ۲۷، صص ۶۷-۳۷.

گرچی، زهره و رستم پور ملکی، رقیه. (۱۴۰۰). نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب «حمّام روح» بر پایه مدل نظری گارسس. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۱ شماره ۲۴، صص ۱۸۲-۱۴۵.

متقی زاده، عیسی و تقی زاده، سید علاء. (۱۳۹۶). ارزیابی متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه). دو فصلنامه‌ی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۷ شماره ۱۶، صص ۱۹۳-۱۶۹.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه با تکیه بر زبان عربی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ج. منابع لاتین

Valero-Garcés, C. (1994). A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study, *The Scarlet Letter* by N. Hawthorne.



نقد الترجمة الفارسية لرواية «تغريبة القافر» لزهرا القاسمي وفقاً لإطار نظرية كارمن غارسييس

زينب مسلم بور خزينه^١، رسول بلاوي^٢، سيد احمد موسى بناه^٣

^١ ماجستير في ترجمة اللغة العربية، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.

^٢ أستاذ، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.

^٣ أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

يُعدّ نموذج غارسييس أحد النظريات الرئيسة في علم اللغة، والذي صُمم بهدف تقييم جودة الترجمات. في هذا النموذج، تُقيّم الترجمات وفق معيارين رئيسيين هما: القبول والكفاية، مع مراعاة الخصائص الإيجابية والسلبية على أربعة مستويات مختلفة. وتشمل هذه المستويات: الدلالي-اللفظي، الصرفي-النحوي، التداولي-الوظيفي، والأسلوبي-العملي. تهدف الدراسة الحالية، بأسلوب وصفي-تحليلي، إلى الاستفادة من النموذج المقترح لغارسييس كنموذج لتقييم جودة الترجمة، وذلك لتقييم رواية «تغريبة القافر» للكاتب زهران القاسمي مع ترجمة معصومة تميمي. وبسبب شمولية المستويات الأربعة لغارسييس، اقتصرت الدراسة الحالية على فحص مستويين فقط، هما: الدلالي-اللفظي والصرفي-النحوي. تركز هذه الدراسة على المستوى الدلالي-اللفظي والمستوى النحوي-الصرفي في رواية تغريبة القافر، نظراً لقيود المعطيات وطبيعة النص وأهداف البحث. أظهرت النتائج وفق نموذج كارمن غارسييس أن أداء المترجم كان إيجابياً في ٦٤٪ من الحالات، فيما كانت ٢٠٪ محايدة و١٦٪ أظهرت ضعفاً في نقل العناصر الثقافية والحفاظ على أسلوب الكاتب. يوضح البحث أن التركيز على هذين المستويين يوفر تحليلاً علمياً دقيقاً ومناسباً لطبيعة النص.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٦/١٠/٢١

تاريخ القبول:

١٤٤٧/٠١/٢٣

الكلمات المفتاحية: نقد الترجمة، كارمن غارسييس، زهران القاسمي، تغريبة القافر، تميمي.

الاقْتِباس: مسلم بور خزينه، ز. بلاوي، ر. موسى بناه، س. (١٤٤٧). نقد الترجمة الفارسية لرواية «تغريبة القافر» لزهرا قاسمي وفقاً

لإطار نظرية كارمن غارسييس، مقالة محكمة، السنة ٢، العدد ٢، صص ٦٩-٩٠.

Doi: 10.22034/jisall.2026.551269.1096

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.



critique of the Persian translation of Zahran Alqasmi's novel Tughreebat al-Qaafir based on Carmen Garcés theory

Zeinab Moslempour Khazineh (corresponding author): M.A. Student of Arabic Translation Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: zeinabmoslempour@gmail.com

Rasoul Balavi (Corresponding Author), Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Seyyed Ahmad Mosawi Panah, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Introduction

Literature, in the sense of the art of speaking or artistic expression, is distinguished from ordinary speech by the way the author reveals inner emotions and hidden thoughts, introducing the reader to imaginative experiences and emotional states. Through a mysterious and symbolic style, employing imagination and emotional depth, the author explores the complexities of the human psyche and immortalizes feelings in diverse forms. In this regard, understanding the author's expression in a literary text and conveying it into another language for readers unfamiliar with the source language appears to be a highly challenging and complex task. Among various types of translation, literary translation is recognized as the most difficult and precise.

Studying and analyzing others' translations is a fundamental element in learning, developing talent, and gaining experience and skills (Jabouri et al., 1977, p. 431). In the translation process, issues such as semantic expansion or reduction, preservation of meaning, and textual modifications often arise. These issues may result from either the strengths of the translation or its weaknesses and shortcomings. To assess the functional or non-functional aspects of these issues, the translated text must be examined from the perspective of different models. Frequently, progress in this field, within the framework of linguistic knowledge, cannot be achieved without careful analysis and critique of translations. Therefore, it is necessary to conduct translation work systematically and methodically to improve its quality.

One of the most prominent frameworks proposed by theorists and translation studies specialists is Carmen Valero Garcés' model (1994). Garcés suggests four analytical levels for evaluating translations in order to compare the similarities between source and target texts, which may sometimes overlap. The present study, employing a descriptive-analytical method, compares portions of the original text of the novel Taghribat al-Qafir

by Zahran Al-Qasimi with its translation *The Amazing Soothsayer* by Masoumeh Tamimi, based on the principles and criteria of Garcés' model. The source and target texts are examined and evaluated using two of the four levels—semantic-lexical and syntactic-morphological—to assess the degree of correspondence between the translation and the original text.

Methodology

Garcés' (۱۹۹۴) theory provides a comprehensive framework for evaluating literary texts, going beyond the mere meaning of words and sentences and considering four distinct analytical levels. This model is recognized as one of the most prominent approaches in the field of literary translation criticism, and its increasing application by researchers in recent years attests to its distinguished and valued position among translation critics. The present study employs a qualitative approach to analyze and evaluate the Persian translation of the novel *Taghribat al-Qafir*, titled *The Amazing Soothsayer*, based on Garcés' model, focusing specifically on two levels: the semantic-lexical and the syntactic-morphological levels.

Results and Discussion

This study applied Carmen Garcés' translation evaluation model to examine the Omani novel *Taghribat al-Qafir* by Zahran Al-Qasimi and its Persian translation, *The Amazing Soothsayer*, by Masoumeh Tamimi. The analysis focused on two levels of Garcés' four-level model: semantic-lexical and syntactic-morphological.

At the semantic-lexical level, key features included cultural or functional equivalents, syntactic expansion and compression, specificity versus generality, and ambiguity. At the syntactic-morphological level, the translator employed strategies such as literal translation, adaptation, structural changes, perspective shifts, explanation or expansion, reduction and deletion, and sentence type modification, successfully conveying the intended meaning.

Regarding the effectiveness of these strategies, the analysis shows that positive features outweigh negative ones. Thus, the translation demonstrates both adequacy and acceptability according to Garcés' model, reflecting a satisfactory performance at the semantic-lexical and syntactic-morphological levels.

Conclusion

This study applied Carmen Garcés' translation evaluation model to examine the Omani novel *Taghribat al-Qafir* by Zahran Al-Qasimi and its Persian translation, *The Amazing Soothsayer*, by Masoumeh Tamimi. The

analysis focused on two levels of Garcés' four-level model: semantic-lexical and syntactic-morphological.

At the semantic-lexical level, key features included cultural or functional equivalents, syntactic expansion and compression, specificity versus generality, and ambiguity. At the syntactic-morphological level, the translator employed strategies such as literal translation, adaptation, structural changes, perspective shifts, explanation or expansion, reduction and deletion, and sentence type modification, successfully conveying the intended meaning.

Regarding the effectiveness of these strategies, the analysis shows that positive features outweigh negative ones. Thus, the translation demonstrates both adequacy and acceptability according to Garcés' model, reflecting a satisfactory performance at the semantic-lexical and syntactic-morphological levels.

References

- Azarnoush, A. (2017). *Contemporary Arabic–Persian dictionary*. Tehran: Nashr-e Ney. {In Persian}
- Al-Qasimi, Z. (2022). *Taghribat al-Qafir*. Tunis: Dar Rashm for Publishing and Distribution. {In Arabic}
- Al-Jasim, A. (2018). *Naqd al-tarjama: al-mafahim wa al-manahij*. Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi. {In Arabic}
- Al-Husni, N. (2019). *Athar al-nazariyah al-nasqiyah fi naqd al-tarjama al-adabiyah*. *Majallat Adab al-Farahidi*, 11(42), 95–120. {In Arabic}
- Al-Shenawi, S. (2017). *Al-tarjama al-adabiyah bayn al-amanah wa al-ibda': Muqarabah naqdiyah fi dhaw' nazariyat Garcés*. *Majallat al-Lisaniyat wa al-Tarjama*, 3(6), 44–70. {In Arabic}
- Farhadi, P. (2013). *Study of criticism and translation of contemporary texts: A case study on the critique and evaluation of Ghassan Kanafani's translated works in stories, narratives, and plays* (Master's thesis). University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities. {In Persian}
- Garaji, Z., & Rostampour Maleki, R. (2021). *Critique of selected Persian translations of Gibran's works in Hammam-e Ruh based on Garcés' theoretical model*. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 11(24), 145–182. {In Persian}
- Haqani, N. (2020). *Theories and approaches in translation* (3rd ed.). Tehran: Azin Publishing. {In Persian}
- Kabiri, M., Hashmati, B., & Tand, B. (2022). *Comparison of the Arabic and Persian translation structure of The Prophet by Khalil Gibran based on Carmen Garcés' model*. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 12(27), 37–67. {In Persian}

- Khanjan, A. (2021). *Critical analysis of translation* (1st ed.). Tehran: Agah Publishing {In Persian}
- Moteqi Zadeh, E., & Naqi Zadeh, S. A. (2017). Evaluation of Persian-to-Arabic literary texts based on Carmen Garcés' model (A case study: The Leader's message on the occasion of Hajj 2016). *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 7(16), 169–193. {In Persian}
- Niazi, Sh., & Ghasemi Asl, Z. (2018). *Translation evaluation models (with a focus on Arabic language)*. Tehran: University of Tehran Press. {In Persian}
- Rashidi, N., & Farzaneh, S. (2010). Evaluation and comparison of Persian translations of the English novel *The Prince and the Pauper* by Mark Twain based on Garcés' model (1994). *Zaban Pazhouhi-e Alzahra University*, 2(3), 57–105. {In Persian}
- Sowari, F., & Amouri, N. (2024). Evaluation of the Persian translation of the novel *Fi Qalbi Untha 'ibriya* based on Carmen Garcés' model. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 14(30), 263–298. {In Persian}
- Shamsabadi, H., & Afzali, F. (2013). Methods of structural, lexical, and contextual equivalence in story translation from Arabic into Persian (based on selected stories by Naguib Mahfouz). *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 3(6), 29–48. {In Persian}
- Shiri, A., & Hadavi Khalilabad, Z. (2020). Critique of the translation of the novel *Frankenstein* in Baghdad by Ahmed Saadawi based on Garcés' theory. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 10(23), 271–304. {In Persian}
- Tamimi, M. (2023). *Taghribat al-Qafir* [Persian translation]. Tehran: Nashr-e Ebarat. {In Persian}
- Zarkoub, M. (2019). *A modern approach to translation techniques (Arabic–Persian / Persian–Arabic)*. Isfahan: Mani Publishing. {In Persian}